

برنامه های جدید قرآن  
در آموزش و پرورش

# حوزه ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی در برنامه ی درسی ملی (۱)

کلید واژه ها: برنامه، برنامه ی درسی ملی، قرآن کریم، آموزش، حوزه ی یادگیری.



سید امیر رون

سید امیر رون، از دست اندرکاران تولید برنامه ی درسی ملی می باشد. از وی درخواست کردیم حوزه ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی را در برنامه ی درسی ملی، برای خوانندگان مجله تبیین او نیز با استقبالی شایسته ی ستایش، این کار را انجام داد که در دو شماره تقدیم شما عزیزان می شود.



## مقدمه

برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران که براساس مبانی، ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توانمندی‌های بومی و ملی و بهره‌برداری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه‌ی پویای ایران اسلامی تولید شده است، الگوی تازه‌ای از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه می‌دهد و گامی مهم در راستای مستندسازی و کیفیت‌بخشی به نظام تعلیم و تربیت کشور است.

متن حاضر، خلاصه‌ای از بخش‌های نتیجه‌ی آخرین اصلاحات کار گروه تلفیق است که برای اطلاع فرهنگیان محترم حوزه‌ی علوم قرآنی و معارف اسلامی در دو شماره تقدیم می‌شود.

### ۱. تعریف برنامه‌ی درسی ملی

برنامه‌ی درسی ملی سندی است که نقشه‌ی کلان تربیت و چارچوب کلی نظام آموزشی کشور را به‌منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌کند.

### ۲. چشم‌انداز برنامه‌ی درسی ملی

با اتکال بر پروردگار متعال و پیروی از مری

بزرگ بشریت، پیامبر اعظم(ص) و دو یادگار بزرگ او- قرآن کریم و خاندان پاک پیامبر(علیهم‌السلام)- در پرتو عزم و پشتیبانی ملی و کوشش و همکاری همه‌جانبه‌ی فرهنگیان، خانواده‌ها و متریبیان، برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بر مبنای برنامه‌ی درسی ملی، برنامه‌هایی خواهد بود:

- منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا و انعطاف‌پذیر؛
- مبتنی بر اصول، مبانی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی؛
- ناظر به ویژگی‌ها و نیازهای همه‌جانبه‌ی متریبیان و نیازهای اساسی جامعه؛
- بهره‌مند از تجربه‌های موفق ملی و جهانی، با استفاده از ابزار و شیوه‌های علمی و مؤثر آموزشی و پرورشی؛
- با رویکردی نوآورانه، آینده‌نگرانه و واقع‌بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان و مشارکت‌پذیر در تولید و اجرا؛
- زمینه‌ساز ارتقای کیفیت مدرسه به مثابه کانون اصلی تربیت در آموزش و پرورش برای تحقق «مدرسه‌ی زندگی»؛
- در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی و تحقق جامعه‌ی عدل مهدوی(عج)؛

که در الگویی پیشرفته و بومی، زمینه‌ی تربیت نسلی متفکر، عاقل و خلاق، مؤمن و خودباور، دانا و بصیر، متخلق و خودساخته، تلاشگر و سالم، خودیادگیرنده، مفتخر به ایرانی بودن، توانا در تولید علم و فناوری و وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی را فراهم می‌سازد.

### ۳. مبانی فلسفه و علمه

مبانی فلسفی و اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی، برگرفته از فلسفه‌ی تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه‌ی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، سند ملی آموزش و پرورش، و مطالعات «کمیته‌ی تخصصی کلیات» است و بر دلالت‌های

برنامه‌ی درسی ملی سندی است که نقشه‌ی کلان تربیت و چارچوب کلی نظام آموزش کشور را به‌منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌کند

نظری سند ملی آموزش و پرورش است و به طرح مهم‌ترین گزاره‌های کاربردی روان‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد.

**۳-۷. مبانی جامعه‌شناختی:** مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ی درسی ملی عمدتاً برگرفته از مبانی جامعه‌شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است. این بخش به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد.

#### ۴. رویکرد برنامه‌ی درسی ملی

رویکرد برنامه‌ی درسی، «روح حاکم» بر همه‌ی عناصر برنامه و «جهت‌گیری کلی» آن برنامه را نشان می‌دهد که عبارت است از: «فطرت‌گرایی توحیدی». حاکمیت این رویکرد بر برنامه‌ی درسی ملی به معنای زمینه‌سازی لازم و مناسب برای شکوفایی فطرت الهی انسان به‌منظور دست‌یابی به مراتبی از نفس مطمئنه از طریق درک و استفاده‌ی مطلوب از موقعیت در راستای تحقق حیات طیبه است.

#### ۵. اصول حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی

اصول در برنامه‌ی درسی ملی، گزاره‌هایی تجویزی مشتمل بر قواعد کلی و مشترک به‌مثابه ملاک و معیارهای اساسی و هنجاری ناظر بر هدایت، سیاست‌گذاری و مدیریت برنامه‌ی درسی ملی و برنامه‌های درسی و تربیتی است که به‌منظور تحقق اهداف، از مبانی

**رویکرد برنامه‌ی درسی،  
«روح حاکم» بر  
همه‌ی عناصر برنامه و  
«جهت‌گیری کلی» آن  
برنامه‌رانشان می‌دهد**

مهم‌زیر که باید نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی ملی را شکل دهد، تأکید می‌ورزد:

**۳-۱. مبانی هسته‌شناختی:** مقصود از مبانی هستی‌شناختی، مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی-تبیینی درباره‌ی حقیقت وجود و احکام کلی آن و نیز واقعیات جهان است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه‌ی دانش فلسفه‌ی اسلامی، به‌طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته‌اند.

**۳-۲. مبانی انسان‌شناختی:** مراد از مبانی انسان‌شناختی، آن دسته از گزاره‌های توصیفی-تبیینی مدلل درباره‌ی واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه‌ی اسلامی (علم‌النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه‌ی فلسفی تربیت، سنگ‌بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه‌ی تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

**۳-۳. مبانی معرفت‌شناختی:** منظور از مبانی معرفت‌شناختی، مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره‌ی شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنابر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه‌ی معرفت‌شناسی در تعیین فلسفه‌ی تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی متمایز گشته است.

**۳-۴. مبانی ارزش‌شناختی:** مقصود از مبانی ارزش‌شناختی، گزاره‌هایی درباره‌ی منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با عرصه‌های چهارگانه‌ی خدا، خود، خلق و خلقت است.

**۳-۵. مبانی دین‌شناختی:** این دسته از مبانی به مباحثی درباره‌ی شأن و جایگاه دین اسلام و مقاصد تربیتی آن در ارتباط با برنامه‌ی درسی اشاره دارد. بیان این گزاره‌ها از آن جهت ضروری است که آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص)- به‌عنوان دین حق- در همه‌ی اجزا و عناصر برنامه‌ی درسی، از جمله مقاصد غایی تربیت انسان، طرز تلقی نسبت به مرتبی، محتوای برنامه‌ی درسی، روش‌های یاددهی-یادگیری، جایگاه معلم و مربی، مواد آموزشی و شیوه‌ی ارزش‌یابی کاربرد دارد.

**۳-۶. مبانی روان‌شناختی:** مبانی روان‌شناختی برنامه‌ی درسی ملی عمدتاً برگرفته از گزارش تلفیق نتایج مطالعات

نظری و اسناد فرادستی استنباط می‌شود.

**۵-۱. اصل دین محوری:** مبانی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) باید بر تمامی اصول، رویکردها، اهداف، محتوای برنامه‌ها و روش‌های درسی و تربیتی حاکم باشد و این اصل بر سایر اصول نیز حاکم است.

**۵-۲. اصل تقویت هویت ملی:** برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه‌ی ارتقای هویت ملی را از طریق توجه و تقویت باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن‌دوستی، وحدت و استقلال ملی فراهم آورند و تلاش کنند که هویت متربیان را به سطح هویت الهی ارتقا دهند.

**۵-۳. اصل اعتبار نقش محوری معلم و مربی:** برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش محوری معلم و مربی در رهبری تربیتی، مقدم کردن تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی متربی در فرایند یادگیری، ترغیب متربیان نسبت به یادگیری به صورت مستمر توجه کنند و زمینه‌های لازم را برای ارتقای صلاحیت‌های اخلاقی، علمی و حرفه‌ای معلمان و مربیان فراهم سازند.

**۵-۴. اصل جامعیت:** برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای کنونی و آینده‌ی متربی و جامعه در سطوح محلی، ملی و جهانی و در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، فناوری و... در راستای سند چشم‌انداز و سیاست‌های مصوب به گونه‌ای جامع و متعادل توجه کنند.

**۵-۵. اصل توجه به تفاوت‌ها:** برنامه‌های درسی و تربیتی باید به تفاوت‌های محیطی، جنسیتی و فردی متربیان توجه کنند و در این خصوص از انعطاف لازم برخوردار باشند.

**۵-۶. اصل توازن و تعادل:** برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط، در بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها پای‌بند باشند.

**۵-۷. اصل خودیادگیری مادام‌العمر:** برنامه‌های درسی و تربیتی باید توان، انگیزش و زمینه‌های لازم و مناسب را به منظور خودیادگیری و خودسازی مادام‌العمر برای متربیان و نیز برای معلمان و مربیان فراهم کنند.

**۵-۸. اصل مشارکت و تعامل:** فرایند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه‌ی مشارکت مؤثر خانواده‌ها، معلمان، مربیان و نهادهای فرهنگی، علمی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌ویژه دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و رسانه‌ها را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم سازد.

## ۶. تعریف و سطوح اهداف

اهداف در برنامه‌ی درسی ملی، ویژگی‌ها و مختصات مطلوب و مورد انتظار برون‌داد نظام آموزش و پرورش را تبیین می‌کنند و ضمن سامان‌بخشی به برنامه‌های درسی و تربیتی، چارچوب جهت‌گیری انتخاب و سازمان‌دهی محتوا، روش‌های یادگیری، منابع و ارزش‌یابی را نیز معین می‌سازند. اهداف در چهار سطح به شرح زیرند:

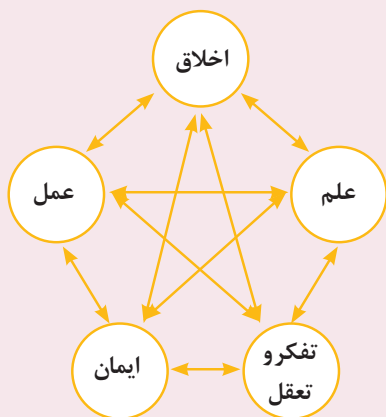
**۶-۱. هدف غایب نظام تعلیم و تربیت:** که الهام‌بخش و جهت‌دهنده‌ی اهداف کلی و تفصیلی است، به بیان‌های گوناگون عبارت است از: «دست‌یابی متربی به مراتبی از قرب الی‌الله، خلافت الهی، عبودت خدا و حیات طیبه.»

### ۶-۲. اهداف کلی و الگوی هدف‌گذاری

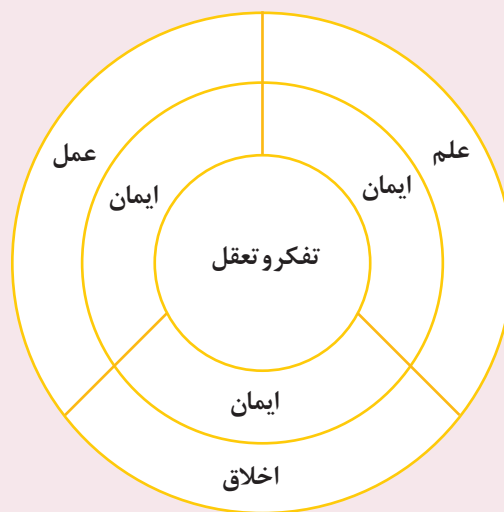
۶-۲-۱. الگوی هدف‌گذاری، چارچوب مفهومی منسجمی است که در تدوین اهداف در سطوح متفاوت، راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان قرار می‌گیرد و شامل پنج عنصر: تفکر و تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق در چهار عرصه‌ی ارتباط متربی با خود، خدا، خلق و خلقت است. در این میان ارتباط با خدا، محور و مبنای سایر ارتباطات محسوب می‌شود.

**مبانی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) باید بر تمامی اصول، رویکردها، اهداف، محتوای برنامه‌ها و روش‌های درسی و تربیتی حاکم باشد**

عناصر	عرصه‌ها	رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان) (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خلقت (طبیعت و...) (با محوریت رابطه با خدا)
تفکر و تعقل					
ایمان و باور مبتنی بر تفکر					
علم، معرفت و آگاهی					
عمل					
اخلاق (رفتارهای اخلاقی + ملکات نفسانی)					



۶-۲-۲. در میان عناصر پنج‌گانه، عنصر **تفکر و تعقل** از جایگاه نخست و محوری و عنصر **ایمان و باور مبتنی بر تفکر**، از جایگاه دوم برخوردار است. سه عنصر **علم، عمل و اخلاق** به‌عنوان عناصر برخاسته از **تفکر و ایمان** و یا متکی بر آن دو، تعریف و تبیین می‌شوند.



۶-۲-۴. با توجه به حقیقت نفس آدمی، هر کدام از عناصر پنج‌گانه‌ی اهداف کلی، می‌تواند حاوی سایر عناصر و یا زمینه‌ی تحقق و تعمیق آن‌ها باشد. هم‌پوشانی مصداقی این عناصر، نشان‌دهنده‌ی وحدت این عناصر در عین کثرت و کثرت آن‌ها در عین وحدت است.

۶-۳. **اهداف تفصیلی:** این اهداف، حد قابل انتظار از اهداف کلی را در چارچوب الگوی هدف‌گذاری برای متریبان در آموزش و پرورش رسمی و عمومی و در دوره‌های تحصیلی گوناگون، تعیین می‌کنند و متناسب با نیازهای مراحل رشد متریبان، اقتضائات اجتماعی و یافته‌های معتبر علمی-پژوهشی هستند.

۶-۴. **اهداف جزئی:** این اهداف برای حوزه‌های یادگیری و یکایک برنامه‌های درسی و تربیتی و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، براساس اهداف تفصیلی و در جهت دستیابی به آن‌ها، با توجه به نیازها و شرایط متفاوت موضوعات درسی مختلف، متریبان، امکانات، اقتضائات منطقه‌ای و بومی تعیین می‌شوند.

۶-۲-۳. عناصر پنج‌گانه‌ی اهداف کلی در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به‌هم‌تنیده تبیین می‌شوند. در فرایند عملی تربیت، هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط متریبی می‌توانند سرآغاز سیر تربیتی متریبی باشند و سایر عناصر را تقویت کنند و تعمیق بخشند.